

سرود بين الملل

اوژن پوتيه

ترجمه: احمد شاملو

برخيزيد، دوزخيان زمين !
برخيزيد، زنجيريان گرسنگي !
عقل از دهانه آتشفشان خويش تندروار مي غرد
اينک! فوران نهائي ست اين .
بساط گذشته برويم .
به پيا خيزيد! خيل بردگان، به پيا خيزيد !
جهان از بنياد ديگرگون مي شود
هيچيم کنون، «همه» گرديم !
نبرد نهائي ست اين .
به هم گرد آييم
و فردا «بين الملل»
طريق بشري خواهد شد .
رهاننده برتري در کار نيست،
نه آسمان، نه قيصر، نه خطيب .
خود به رهايي خويش برخيزيم، اي توليدگران!
رستگاري مشترک را برپا داريم !
تا راهزن آنچه را که رپوده رها کند،
تا روح از بند رهايي يابد،
خود به کوره خويش بردميم
و آهن را گرماگرم بکوبيم!
نبرد نهائي ست اين .
به هم گرد آييم
و فردا «بين الملل»
طريق بشري خواهد شد .
کارگران، برزگران!
فرقه عظيم زحمتکشانيما
جهان جز از آن آدميان نيست
مسکن بي مصرفان جاي ديگري ست .
تا کي از شيره جان ما بنوشند؟
اما امروز و فردا،
چندان که غرابان و کرکسان نابود شوند
آفتاب جاودانه خواهد درخشيد .
نبرد نهائي ست اين .
به هم گرد آييم
و فردا «بين الملل»
طريق بشري خواهد شد .